



اگرچه نمی توان تاریخ

مشخصی برای سنت

حسنه قرض بدون

بهره و رعایت اصول

شرعی در سیستم

غیررسمی بانکی

ایران تعیین کرد،

اما به گفته برخی

از محققان، شاید

تأسیس صندوق

سرمایه گذاری

«اثناعشر» در سال

۱۳۱۷ هجری شمسی

نخستین حرکت در

این زمینه باشد. این

صندوق به همت

برخی از متدینین و

براساس طرح مرحوم

آیت الله شاه آبادی

تشکیل شد و با

دریافت سپرده های

مشارکتی و تخصیص

آن به سرمایه گذاری

به این شرط که

بتواند بخشی از

ذخیره اضافی آن را در

شرایط اضطراری به

طور موقت در اختیار

گیرندگان واقعی

قرض الحسنه قرار

دهد، شکل گرفت

طرف کاهش رشد شاخص مسکن از ۳۸ درصد در سال ۵۶ به منفی ۰،۴ درصد در سال ۵۷ و از طرف دیگر، افت سرعت گردش پول در سال ۵۷ موجب محدود شدن رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی به میزان ۱۰ درصد شد؛ یعنی توری که باید خیلی افزایش می یافت، به ۱۰ درصد محدود شد. در ماه های پایانی سال ۵۷ بود که اعتصاب های عمومی کارکنان وزارتخانه ها و سازمان های دولتی خصوصاً وزارت نیرو، سازمان برنامه و بودجه، شرکت نفت و بانکها گسترش یافت.

چند هفته مانده به پیروزی انقلاب اسلامی، مخالفت کارکنان وزارت امور اقتصادی و دارایی و شعارهای آنها علیه رژیم پهلوی شدیدتر شده بود و رفت و آمد روزانه آنها در مقابل ادارات وسعت بیشتری گرفته بود. درگیری ها در میدان ارگ و در نزدیکی ایستگاه رادیو منجر به تیراندازی و شکسته شدن شیشه های ساختمان شیر و خورشید و معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی شده بود.

در این ایام و چنین شرایطی بود که در اواسط بهمن ۱۳۵۷ طی حکمی بانک مرکزی خواستار بازگشت همه مأموران خود از وزارتخانه های مختلف به این بانک شد. این در حالی بود که چند ماه قبل از انقلاب به خاطر شرایط خاص کشور گروهی مشکل از ۳۶ نفر که از میان کارکنان بانک مرکزی انتخاب شده بودند، اداره امور بانکها را به عهده گرفته بودند. با توجه به تعداد نسبتاً زیاد این گروه برای تصمیم گیری، از این جمع سی و شش نفره، یک گروه پنج نفره برای اداره بانک مرکزی انتخاب شدند که شامل دکتر علی رشیدی، دکتر هوشنگ آذرهمد، دکتر جواد اخوان تویسرکانی، الله وردی رجایی سلماسی و حشمت الله عزیزیان بود.

چند هفته پیش از انقلاب، این هیأت طی تلکسی به بانکهایی که ایران در آنها حساب ارزی داشت اطلاع می دهد که پرداخت از این حسابها به هیچ فرد حقیقی و حقوقی مورد موافقت بانک مرکزی ایران نیست، مگر اینکه به تأیید بانک مرکزی رسیده باشد. با پیروزی انقلاب اسلامی فصل جدیدی در بانکداری اسلامی و بانکداری ایران گشوده شد؛ چرا که انقلاب اسلامی مردم ایران با هدف پیاده کردن احکام ناب دین مبین اسلام شکل گرفته و بدیهی بود سیستم بانکی که نقش بسیاری در زندگی مردم ایفا می کند و تعامل زیادی با باورها و ارزش های اسلامی دارد، در همان ابتدای پیروزی انقلاب مورد توجه و در معرض اصلاحات گسترده باشد.

از این نکته نباید غافل ماند که پیروزی انقلاب اسلامی همراه با افزایش رویکرد اسلام خواهانه مسلمانان و تصویب و تعمیق باورهای ارزشی مسلمانان، به تقویت ایده بانکداری اسلامی در سطح کشورهای اسلامی منجر شد. بی تردید انقلاب اسلامی مردم ایران نقش قابل توجهی در رونق ایده بانکداری بدون ربا در همه سطوح داشته است؛ به طوری که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی هیچ کشوری جرأت اجرای کامل ایده بانکداری بدون ربا را نداشت و این نوع بانکداری پس از پیروزی انقلاب اسلامی گسترش یافت.

حتی اولین کشوری که قانون بانکداری بدون ربا را تدوین و اجرا کرد ایران بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی جرأت انجام چنین مهمی را پیدا کرد. مدت کوتاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، براساس مصوبه شورای انقلاب، تمام بانک های خصوصی کشور ملی اعلام شد ند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بانک ها هم ردیف قمارخانه ها و شرابفروشی ها مورد خشم و غضب



دنبال خارج کردن سپرده های خود از بانکها هستند.

علاوه بر تغییر در ترکیب نقدینگی بخش خصوصی، میزان آن نیز رشدی معادل ۲۳ درصد را نشان داد. هم چیز نشان دهنده بی اعتمادی مطلق مردم به نظام بانکی بود. رکود موجود در تمام بخش ها و فعالیت های اقتصادی بجز بخش کشاورزی موجب کاهش رشد تولید ناخالص داخلی ایران به میزان ۱۳ درصد شده بود. در شرایط عادی رشد قابل توجه نقدینگی بخش خصوصی و کاهش نسبتاً شدید تولید می توانست منجر به آثار توری شدیدی در اقتصاد شود؛ اما از یک

مجبور شد نسبت سپرده های قانونی را کاهش داده و ۱۲۰ میلیارد ریال از ذخایر مسدود شده بانکها آزاد شد. البته این رقم پاسخگوی ادامه هجوم مردم به بانکها به منظور برداشت سپرده ها نبود.

شورای پول و اعتبار در آذرماه سال ۵۷ مجدداً نسبت سپرده های قانونی و همچنین نسبت الزام بانکها به خرید اوراق قرضه را کاهش داد. بین شهریور تا بهمن ۵۷ در حالی که سپرده های بخش خصوصی ۲۹۵ میلیارد ریال کاهش یافته بود، معادل ۴۱۲ میلیارد ریال بر حجم اسکناس و مسکوک در دست مردم اضافه شده بود که نشان می داد مردم به

امام خمینی (ره) ضد رژیم شاه بود. پیش از ایجاد نخستین صندوق قرض الحسنه در تهران، در برخی کشورهای عربی نیز گاه و بیگاه نهادهایی در مساجد با عنوان بنوک اسلامی با قروض اسلامی تشکیل می شد. با این همه، پدیده قرض الحسنه زمانی از اهمیت بالایی برخوردار شد که برخی از متدینان با هدف آشتی دادن عملکرد بانکهای معمول با مقررات اسلامی در ایران به طور گسترده آن را مورد استفاده قرار دادند.

وضعیت نظام بانکی در ماه های منتهی به انقلاب در طول سال ۵۷ به خاطر اعتصاب های عمومی دچار اختلال شد و متوسط تولید روزانه نفت با ۲۴ درصد کاهش نسبت به سال ۵۶ به ۴،۳ میلیون بشکه کاهش یافت. متوسط صادرات روزانه نفت نیز با ۲۸ درصد کاهش به ۳،۵ میلیون بشکه در روز رسید. در این سال بودجه دولت با کاهش ۳۲ درصدی روبه رو شد و با توجه به رکود فعالیت های اقتصادی در این سال، درآمدهای مالیاتی کشور فقط ۵ درصد افزایش داشت.

به رغم افت هزینه های دولت به میزان ۲۰ درصد، کسری بودجه دولت بالغ بر ۳۹۰ میلیارد ریال شد و نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی از ۷،۸ درصد در سال ۵۶ به عدد ۱۱،۴ درصد در سال ۵۷ افزایش یافت و سهم بانک مرکزی در تأمین کسری بودجه به ۴۱ درصد رسید. به علت اعتصاب های عمومی و عدم اطمینان به سیستم بانکی، از شهریور این سال برداشت های غیرمنتظره از سپرده های بخش خصوصی و تبدیل آن به اسکناس و مسکوک در دست مردم آغاز شد. بانکها خیلی زود با کمبود منابع روبه رو شدند. شورای پول و اعتبار در شهریورماه ۱۳۵۷



حوادث بانک مرکزی در بهمن ۵۷

برش

در اواسط بهمن ۱۳۵۷ طی حکمی بانک مرکزی خواستار بازگشت همه مأموران خود از وزارتخانه های مختلف به این بانک شد. این در حالی بود که چند ماه قبل از انقلاب به خاطر شرایط خاص کشور گروهی مشکل از ۳۶ نفر که از میان کارکنان بانک مرکزی انتخاب شده بودند، اداره امور بانکها را به عهده گرفته بودند. با توجه به تعداد نسبتاً زیاد این گروه برای تصمیم گیری، از این جمع سی و شش نفره، یک گروه پنج نفره برای اداره بانک مرکزی انتخاب شدند که شامل دکتر علی رشیدی، دکتر هوشنگ آذرهمد، دکتر جواد اخوان تویسرکانی، الله وردی رجایی سلماسی و حشمت الله عزیزیان بود. چند هفته پیش از انقلاب، این هیأت طی تلکسی به بانکهایی که ایران در آنها حساب ارزی داشت اطلاع می دهد که پرداخت از این حسابها به هیچ فرد حقیقی و حقوقی مورد موافقت بانک مرکزی ایران نیست، مگر اینکه به تأیید بانک مرکزی رسیده باشد. با پیروزی انقلاب اسلامی فصل جدیدی در بانکداری اسلامی و بانکداری ایران گشوده شد؛ چرا که انقلاب اسلامی مردم ایران با هدف پیاده کردن احکام ناب دین مبین اسلام شکل گرفته و بدیهی بود سیستم بانکی که نقش بسیاری در زندگی مردم ایفا می کند و تعامل زیادی با باورها و ارزش های اسلامی دارد، در همان ابتدای پیروزی انقلاب مورد توجه و در معرض اصلاحات گسترده باشد.

از دسته بانک های خصوصی به شمار می رفتند. بانک گسترش آذربایجان برای گسترش آذربایجان شرقی و غربی، بانک گسترش خزر برای توسعه مازندران و گیلان و بانک گسترش خوزستان برای توسعه خوزستان بود.

در کنار بانک های دولتی و خصوصی، دسته سومی تحت عنوان بانک های مختلط نیز وجود داشتند. بانک اعتبارات ایران، بانک ایران و انگلیس، ایران و خاورمیانه، ایران و عرب، ایرانیان، بانک بین المللی ایران، بانک بین المللی ایران و ژاپن، بانک تجارت خارجی ایران، بانک تجارت ایران و هلند، توسعه صنعتی و معدنی ایران، بانک توسعه سرمایه گذاری ایران، بانک تهران و بانک داریوش از بانک های مختلطی بودند که با سرمایه مشترک ایرانیان و خارجی ها تأسیس شده بودند. در واقع مالکیت بخش قابل توجهی از بانک های فعال در کشور در سال های قبل از انقلاب غیردولتی بود، طبیعتاً زمانی که این بانکها ملی شدند، مالکیت ۲۰ بانک خصوصی و مختلط فعال در نظام بانکی کشور نیز تغییر کرد.

بخشی از ملی شدن بانکها به خاطر ضرورت های موجود در جامعه بود؛ به هر حال انقلاب شده بود و برخی از مالکان بانکها از کشور فراری شده بودند. خیلی از افراد بدهکار به نظام بانکی بدون پرداخت بدهی های خود، منابع بانکی را از کشور خارج کرده بودند، بنابراین بانکها وضعیت مشخصی نداشتند. در این شرایط چاره ای جز ملی کردن بانکها وجود نداشت. در ذیل به برخی از دلایل و زمینه هایی که منجر به ملی شدن بانکها شد اشاره شده است. عده ای در آن مقطع معتقد بودند برای تحقق بانکداری اسلامی، نظام بانکی کشور باید دولتی بوده و نباید مالکیت بانکها در اختیار بخش خصوصی باشد. استدلال این افراد ریشه در سخنان و تفکرات نجات الله صدیق، تئوریسین و اقتصاددان اسلامی داشت. او معتقد بود بانکداری اسلامی حتماً باید یک بانکداری دولتی و ملی باشد.

استدلال این افراد از جمله صدیق این بود که چون خلق پول دارای منافعی است، از این رو صرفاً باید در انحصار دولت آن هم به نمایندگی از مردم انجام شود؛ با ایجاد بانک خصوصی منافع خلق پول در حالی نصیب مالکان بانک های خصوصی می شود که تبعات آن دامن همه شهروندان ایرانی را خواهد گرفت، ضمن اینکه

اغلب بانک های خصوصی وضعیت نامساعدی داشته و خطر ورشکستگی قریب الوقوع، آنها را تهدید می کرد. کانون اسلامی بانکها نیز با این استدلال که نباید تمرکز ثروت در کشور وجود داشته باشد، از حامیان اصلی ملی شدن بانکها به شمار می رفت. علاوه بر آن، سازمان برنامه و بودجه ایران در سال ۵۸ مطالبی منتشر کرده و مدعی می شود که بانکها باید ملی شوند.

انقلابیون قرار گرفتند؛ به نحوی که در کنار هر قمارخانه و شرابفروشی که مورد حمله انقلابیون قرار می گرفت، بانکها نیز از شعله های خشم جوانان انقلابی دور نمی ماندند. لزوم ایجاد تغییر در نظام بانکی کشور که عملاً با سازکارهای روی

و هم ردیف با بانکداری مرسوم دنیا در حال فعالیت بود، موضوعی بود که از همان ماه های ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی احساس می شد. تعدادی از بانک های ایرانی یا ازسوی افرادی خاص و وابسته به رژیم طاغوت چون هژبر یزدانی و هوشنگ رام و... اداره می شدند یا سازگاری مختلط داشتند و علاوه بر طرف ایرانی، یک کشور خارجی نیز سهامدار این بانکها بود.

این موارد باعث شد خیلی زود و فقط بعد از گذشت چند ماه از پیروزی انقلاب، قوانین مربوط به نظام بانکداری ایران مورد بازنگری و تجدید نظر قرار گیرد. بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی این موضوع مطرح بود که از آنجا که بنیانها و نهادهای اقتصادی کشور مانند بانکها تا قبل از انقلاب براساس نظام ربوی و طاغوتی بود، حالا با پیروزی انقلاب اسلامی باید براساس میانی اسلامی، تحولات بانکی طی سال های ۵۸ تا ۶۲ شکل گیرند. از جمله اقداماتی که در راستای اسلامی کردن یا به عبارتی زودین ربا از نظام بانکی ایران مطرح شد، طرح موضوع ملی شدن بانک های ایرانی بود. گام اول نظام سیاسی ایران از سال ۵۷ و با پیروزی انقلاب اسلامی تغییر کرده بود. این تغییر موجب شده بود صاحبان بانک های خصوصی پس از پیروزی انقلاب عملاً از کشور فرار کنند و بانکها دچار مشکلاتی شوند؛ موضوعی که باعث شد شورای انقلاب، تصمیم به ملی کردن بانکها بگیرد. قبل از ملی شدن بانکها، ۳۶ بانک در شبکه بانکی کشور فعال بودند که ۷ بانک از این تعداد بانکها، تخصصی و ۲۶ مورد، بانک های تجاری بوده و ۳ بانک نیز دارای فعالیت های غیرملی بودند که اصطلاحاً به آنها بانک های ناحیه ای یا منطقه ای می گفتند. از لحاظ سرمایه نیز بانکها یا دولتی، یا خصوصی یا مختلط بودند. بانک های رهنی ایران، اعتبارات صنعتی، بیمه ایران، تعاون کشاورزی ایران، توسعه کشاورزی ایران، رفاه کارگران، سپه و ملی، بانک های دولتی بودند که تمام سرمایه آنها دولتی بود.

بانک های خصوصی که دارای سرمایه ۱۰۰ درصد ایرانی بودند، شامل بانک های اعتبارات تعاونی توزیع، ایران شهر، بازرگانی ایران، بیمه بازرگانان، پارس، ساختمان، شهریار، صادرات، صنایع ایران، عمران، فرهنگیان و کار می شد. در میان بانک های خصوصی نیز ۳ بانک گسترش آذربایجان، گسترش خزر و گسترش خوزستان قرار داشتند که این ۳ بانک محلی و غیرملی بوده و